



روزها، ماه‌ها و سال‌ها به خودی خود از اهمیت خاصی برخوردار نیستند، بلکه ارزش آنها به واقعه‌ای است که در آن زمان به‌وقوع می‌پیوندد. به عنوان مثال روز بیست و دوم بهمن که در حال حاضر در تاریخ کشورمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مانند سایر روزهای عادی بود و به هیچ‌وجه مورد توجه قرار نمی‌گرفت. همچنین روز ۱۳ آبان که خاطره سه واقعه مهم را در خود دارد، قبل از سال ۱۳۴۳ مورد توجه نبود. اما در حال حاضر بدلیل سالروز تبعید حضرت امام، کشتار دانش‌آموزان مظلوم در مقابل دانشگاه تهران و تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از روزهای مهم و بیادماندنی است که هر ساله مورد توجه

خرداد ۷۳. شماره ۵. سال پنجم. رازی ۳

خاص قرار می‌گیرد.

با توجه به این مطلب، خردادماه نیز از ماه‌های بسیار مهم است زیرا در این ماه برخورد جنایتکارانه رژیم ستم شاهی با نهضت مقدس اسلامی آغاز گردید و صف‌بندیهای انقلاب و مخالفین را مشخص نمود. همچنین در این ماه رهبرکبیر انقلاب اسلامی روی در نقاب خاک نهاد و جان به جان آفرین تسلیم نمود و میلیون‌ها انسان مسلمان و آزاده را سوگوار نمود. وقوع این وقایع در خردادماه که همگی مرتبط با مردی بزرگ و فرزانه‌ای سترگ است، ایجاب می‌نماید این ماه را ماه امام بنامیم، اگرچه تمام ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ماه اوست و او خود ماهی است که در تمام ماه‌ها نورافشانی می‌کند.

حال که پذیرفتیم خرداد، ماه امام است، پس ضروری است که در این ماه بیشتر به او پرداخته و ویژگی‌های خاص او را بررسی نماییم، به عبارت دیگر مناسب است به این سؤال پاسخ دهیم که چرا مردم امام را به رهبری پذیرفتند و در پی اشخاص، احزاب و گروه‌های دیگر نرفتند؟

اولین مسئله‌ای که در پاسخ به سؤال فوق باید به آن توجه نمائیم روحانی بودن امام است. روحانیت در جامعه ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و مردم با علم و تجربه دریافته‌اند که این قشر همیشه حامی مظلومین و مخالف ظالمین بوده است. مردم ما به خوبی آگاهند که نهضتی در ایران به وقوع نپیوسته مگر آنکه روحانیت رهبری آن را به عهده داشته و یا اینکه بطور موثر در آن دخیل بوده است. البته روحانیت شیعه خصوصیات دیگری نیز دارد که انشاءاله در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت. این خصوصیات باعث می‌شود که مردم به این قشر اطمینان کنند و آنها را تکیه‌گاه خود بدانند. بنابراین اولین عاملی که زمینه را برای رهبری حضرت امام فراهم می‌نمود روحانی بودن او بود.

ویژگی دوم امام مرجعیت است. مرجع در بینش شیعه جانشین امام معصوم است و حکم او مانند امام و پیامبر برای امت تلقی می‌شود. مردم مسلمان ایران حرکات اجتماعی و سیاسی خود را در چارچوب تکلیف شرعی انجام می‌دهند و از این طریق دنیای خود را با آخرت پیوند می‌زنند. آنها حاضر نیستند آخرت و قیامت خود را بدست فردی سیاسی و غیر مذهبی بدهند، زیرا به خوبی می‌دانند که در چارچوب ولایت فقیه و اجتهاد است که موضوع جنبه شرعی پیدا کرده و تکلیف به درستی انجام می‌شود.

ویژگی سوم امام فیلسوف بودن اوست. امام از اساتید بزرگ فلسفه در حوزه علمیه قم بود و تدریس و توسعه این علم را ترویج می‌نمود. این اقدام امام در شرایطی صورت می‌پذیرفت که بعضی دیگر از فقهای حوزه علمیه نه تنها با فلسفه مخالف بودند بلکه مدرسین این علم را تکفیر می‌کردند. بینش فلسفی امام و تبحر در این علم باعث پیچیدگی هرچه بیشتر ذهن امام شده و ایشان را از ساده‌لوحی‌ها و عوامگرایی‌ها مصون کرده بود. نگارنده معتقد است که برخورد صحیح امام در طول مبارزه با مسائل بغرنج سیاسی و عدم ارتکاب اشتباه حتی کوچک از جانب ایشان مربوط به این ویژگی امام است.

از ویژگیهای دیگر امام که باید آن را مهمترین عامل موفقیت او به حساب آورد، خلوص است. امام تکلیف خود را با خدا، با خود و همچنین با مردم روشن کرده بود. امام بنده عابد و زاهد خدا بود و سال‌های سال و مدت‌های

طولانی در خلوت عبادتگاه خود را ساخته بود. او تجسم عینی تسلیم در مقابل خدا بود و به همین جهت بزرگترین اتفاقات کوچکترین تأثیری بر او نداشت. امام موحدی بود که با اتصال به خداوند متعال دیگر قدرتها را خرد می‌دید و از این بابت هیچ نگرانی به خود راه نمی‌داد. امام اول کسی بود که به توصیه معروف خود (پیش از آنکه مردم به شما روی آورند خود را بسازید) عمل کرده بود و خود را آنچنان ساخته بود که اقبال میلیون‌ها انسان با ادبار آنها برایش تفاوتی نداشت. در عین حال آنچنان برای بندگان خدا ارزش قائل بود که حتی یکبار در طول عمرش به آنها دروغ نگفت و با آنها سیاسی کاری نکرد و تمام زندگی شریفش را در جهت رشد و نجات آنان صرف نمود. این خلوص امام که از جانب مردم بخوبی درک شده بود باعث می‌گردید که در مواقع حساس بیش از پیش او را پیروی نمایند و کوچکترین شبهه‌ای در ذهن خود نسبت به عملکرد او نداشته باشند. مردم به کرات دیده بودند که امام برای نجات اسلام و مصلحت مسلمین حاضر به معامله با آبروی خود است و در این راه ابایی از نابودی حیثیت خود که به مراتب مهمتر از نابودی جسم است ندارد. خلوص امام در جمیع جهات عامل کمک‌ها و راهنماییهای خداوند متعال در مقاطع حساس بود و این امر باعث می‌گردید که با الهامات دریافتی، صحیح‌ترین تصمیمات سیاسی را در مقاطع حساس اتخاذ نماید. در این جا ذکر این نکته ضروری است که الطاف خداوند متعال اختصاص به امام ندارد و هرکس مانند حضرت امام خود را برای دریافت فیوضات الهی آماده کند از آن بهره‌مند خواهد شد. مهم این است که زمینه دریافت در فرد ایجاد شده باشد و میزان دریافت نیز مسئله‌ای است که با میزان خودسازی و ایجاد زمینه ارتباط دارد. پنجمین خصوصیت امام که لازمه رهبری و مدیریت در هر سطحی می‌باشد نظم و انضباط در امور است. حضرت امام در رعایت نظم و انجام منظم برنامه‌ها به گونه‌ای عمل می‌کردند که نزدیکان امام از طریق انجام هر برنامه توسط ایشان ساعت را تشخیص می‌دادند. آنها می‌دانستند که امام هرکاری را در چه ساعتی انجام می‌دهند و از این طریق وقت را مشخص می‌کردند. مسئله نظم هم در کارهای سیاسی و اجتماعی امام، و هم در مسائل عبادی و حتی ورزشی ایشان وجود داشت. بطور مثال گفته می‌شود که حدود پنجاه سال امام نماز شب و پیاده‌روی روز را بدون هیچگونه تغییری انجام داده‌اند.

امام در یک سخنرانی عبارتی را که از قول بعضی از افراد نقل شده بود (نظم مادر بی‌نظمی است) مورد انتقاد قرار دادند و گفتند نظم و انضباط از مهمترین اموری است که باید مورد توجه مسلمین قرار گیرد. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که رهبری انقلاب کبیری همچون انقلاب اسلامی ایران بدون توجه به نظم و رعایت انضباط در امور خارج از تصور است و قطعاً انجام کاری کوچکتر از اقدام فوق نیز نیاز به یک برنامه‌ریزی دقیق دارد.

ویژگی مهم دیگر امام دشمن‌شناسی است. در هدایت یک نهضت شناخت دوستان و دشمنان و درجه‌بندی آنها از امور بسیار مهم است. گاه، حب و بغض‌ها و یا ساده‌لوحی‌ها باعث می‌شود جای این دو با یکدیگر عوض شده و ضربه‌ای مهلک بر نهضت وارد شود. به‌طور مثال در جریان نهضت اسلامی ایران خیلی از افراد، شوروی را به دلیل کمونیست بودن بزرگترین دشمن انقلاب می‌دانستند و امریکا را به دلیل عدم مخالفت علنی با دین، دوست می‌پنداشتند. در صورتی که امام از همان اوایل شروع نهضت این دشمن اصلی انقلاب و حامی شماره یک رژیم ستم‌شاهی را شناخت و آن را مورد حمله قرار داد تا بالاخره حاکمیت امریکا را از ایران برچید. نمونه دیگر در این

زمینه شناخت منافقین است. اعضاء این گروه در سال ۱۳۵۰ در نجف به حضور امام رسیدند و به دنبال دریافت تأییدیه از امام بودند، این موضوع در شرایطی بود که اکثر بزرگان دینی و سیاسی آنها را تأیید می‌کردند و از امام نیز خواسته بودند که منافقین را تأیید نمایند. اما امام علی‌رغم این سفارشات هرگز منافقین را تأیید نکردند و از همان اول شناخت دقیق نسبت به آنها پیدا کردند.

هفتمین ویژگی امام صبر انقلابی است. امام در حالیکه انقلابی‌ترین فرد زمان خود بود صبورترین افراد نیز به حساب می‌آمد و این دو ویژگی به ظاهر متضاد در شخصیت بزرگی چون امام به حد کمال وجود داشت. امام در زمان مرجعیت آیت‌الله‌العظمی بروجردی علی‌رغم اینکه از بعضی عملکردها راضی نبودند و رفتار بعضی از نزدیکان ایشان مورد تأیید امام نبود، اما سال‌ها مهر سکوت بر لب زدند و هیچ مطلبی بر زبان نیاوردند، زیرا این اقدام را حرکتی در جهت تضعیف مرجعیت می‌دانستند و طبیعی بود که از انجام چنین کاری خودداری نمایند. نمونه دیگر از صبر انقلابی امام در مورد برخورد با بنی‌صدر بود. امام که شناخت دقیقی نسبت به بنی‌صدر داشتند می‌دانستند او لیاقت ریاست جمهوری اسلامی و انقلابی را ندارد، اما با صبر و تحمل بسیار با او رفتار کردند تا مردم شناخت دقیق نسبت به او پیدا کنند. در صورتی که اگر چنین فرصتی به مردم داده نمی‌شد تا بنی‌صدر را به‌طور کامل بشناسند، ممکن بود گروهی از مردم به طرفداری از او برخیزند و در حالیکه کشور دچار جنگی خانمانسوز است مشکل جدی داخلی ایجاد شود. در جریان یک نهضت همان اندازه که افکار انقلابی ضروری و مهم است، صبر و حلم و تحمل نیز ضروری است و اگر این دو خصوصیت همراه یکدیگر نباشند قطعاً نهضت با شکست مواجه خواهد شد.

ویژگی مهم دیگر امام، مردم‌شناسی و مردم‌باوری است. امام با شناخت دقیق از روحیات، خواسته‌ها و فرهنگ مردم خود، با آنها رابطه‌ای بسیار مستحکم و صمیمانه ایجاد کرده بود. این رابطه به گونه‌ای بود که تک‌تک آحاد ملت او را همچون پدری مهربان و دلسوز می‌پنداشتند و می‌دانستند که امام چیزی جز صلاح و مصلحت آنها را طلب نمی‌کند. رابطه صمیمانه امام با مردم را می‌توان در مراسم تشیع جنازه میلیونی او و با حضور دایمی مردم در سر مزار شریف و حرم مطهرش به خصوص بعد از ۸ سال جنگ و ده سال حکومت که طبیعتاً همراه با مشکلاتی است مشاهده نمود. امام خود را خدمتگزار مردم می‌دانست و برای نظر آنها بیش از اندازه احترام قائل بود. جمله معروف «میزان رای ملت است» بیانگر توجهی است که امام به نظر مردم داشتند.

امام در پاسخ سؤال یکی از مسئولین که پرسیده بود در انجام امور تا کجا پیش برویم، فرموده بودند: «تا جایی پیش بروید که بتوانید مردم را قانع کنید و اگر تشخیص دادید که کاری برای مردم قابل توجه نیست هرگز آن کار را انجام ندهید».

ذکر خصوصیات دیگر امام گرچه ضروری است، در این مقال نمی‌گنجد. همانگونه که نمی‌توان آب دریا را در کاسه‌ای جمع نمود و خورشید را در اطاقی جای داد، ویژگی‌های مردی خدایی و اسطوره‌ای جاودانی را نمی‌توان در چند صفحه و با این قلم ناقص به تصویر کشید. امید آن داریم که در زمان‌های مختلف با ذکر مطلبی از او بتوانیم بهره‌ای از وجود مبارکش را نصیب خود گردانیم.

**دکتر سید محمد صدر**